

احیای جاده ابریشم: پنج اولویت همکاری ایران و چین
محسن شریعتی نیا، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
جهان اقتصاد

کمربند اقتصادی جاده ابریشم یا آنچه به "یک جاده یک کمربند" شهرت یافته است این روزها یکی از مباحث داغ در مراکز مطالعاتی و رسانه ای طیف وسیعی از کشورها به شمار می آید. جایگاه چین به عنوان دومین قدرت اقتصادی جهان و نیز دیپلماسی عمومی این کشور در دامن زدن به این بحث ها موثر بوده است. در ابتدای مطرح شدن این مباحث، ابهام فراگیر در مورد چند و چون این طرح یکی از موانع کلیدی درک آن بود. اما با منتشر شدن سند دولت چین در این زمینه، از حجم ابهام کاسته شد. مهمترین موضوع در سند مفصل جاده ابریشم، شکل دهی به همکاری میان کشورها در پنج لینک است. در ادامه وضعیت و چشم انداز همکاری ایران و چین در این پنج لینک را مورد بحث قرار خواهیم داد.

۱- هماهنگی در سیاستگذاری

همکاری در این حوزه در ابتدای راه قرار دارد. در سفر اخیر شی جین پینگ ۱۷ سند همکاری میان دو کشور امضا شد، اما هنوز این اسناد وارد روند اجرایی نشده است. مهمترین نهاد سیاستگذار توسعه ای در ایران معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری است. تعامل منظم و تنگاتنگ این نهاد با کمیسیون اصلاحات چین برای بررسی راههای ایجاد هماهنگی سیاستگذاری میان دو کشور کلیدی است. علاوه بر این ملاقات های منظم میان روحانی و شی جین پینگ می تواند به هماهنگی دو کشور در زمینه سیاستگذاری کمک کند.

۲- تسهیل تجارت آزاد

در این حوزه علیرغم آنکه ایران دومین شریک تجاری چین در غرب آسیاست، اما تجارت میان دو کشور بر مبنای قواعد جهانی تجارت آزاد صورت نمی گیرد. ۹۷ درصد تجارت جهانی در قالب قواعد سازمان تجارت جهانی صورت می گیرد و ۱۶۲ کشور از جمله چین در آن عضویت دارند، اما ایران عضو کامل آن نیست. چین یکی از اعضای کلیدی این نهاد است و ایران از سال گذشته روند الحاق خود به این نهاد را سرعت بخشیده است. کمک چین به ایران برای تسریع در الحاق به این نهاد می تواند به همکاری دو کشور در پیشبرد تجارت آزاد در میان کشورهای جاده ابریشم کمک کند.

بعلاوه، انجام مطالعات امکان سنجی برای انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد میان دو کشور ضرورت دارد. چین با طیف وسیعی از کشورها از جمله شورای همکاری خلیج فارس در حال مذاکره برای انعقاد چنین موافقتنامه ای است. چنین مذاکراتی با ایران به عنوان شریک تجاری کلیدی این کشور در غرب آسیا نیز می تواند آغاز شود و به تسهیل همکاری های دو کشور در سایر حوزه های جاده ابریشم کمک نماید.

۳- ایجاد و توسعه زیرساخت های حمل و نقل

در حوزه زیرساختی، همکاری دو کشور در وضعیت بهتری قرار دارد. موافقتنامه هایی میان آنان در مورد توسعه خطوط ریلی ایران توسط شرکت های چینی امضا شده است. اما نکته مهم آنکه ایران برای توسعه حمل و نقل خود به سالانه ۱۵ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد. ۵۵ فرودگاه ایران به بازسازی و بهسازی نیاز دارند، شبکه ریلی ایران باید بازسازی و بهسازی شود. نیاز گسترده ایران در حوزه زیرساخت حمل و نقل فرصت های مهمی برای همکاری بین دو کشور فراهم می آورد. بعلاوه ایران دارای موقعیت ویژه ارتباطی در غرب آسیاست به گونه ای که از مسیر خشکی و دریا به جنوب و مرکز آسیا، خاورمیانه و اروپا اتصال می یابد. بنابراین توسعه زیرساخت های ارتباطی ایران شرط لازم اجرایی شدن اتصالات زیربنایی در بخش مهمی از جغرافیای این جاده محسوب می شود.

۴- همکاری های مالی

در این حوزه نیز همکاری های دو کشور در مراحل ابتدایی قرار دارد و تحریم ها ضربات سختی به این همکاری زده است. هنوز هم بخشی از تحریم های باقیمانده، محدودیت های جدی در همکاری های مالی ایران و چین ایجاد می کند. نظام مالی جهانی همچنان تحت تسلط غرب است و محدودیت هایی که آمریکا برای مبادلات مالی با ایران ایجاد کرده می تواند همکاری های دو کشور حتی در دوره پسابرجام را تحت تاثیر منفی قرار دهد. در شرایط کنونی مبادلات بانکی بین ایران و چین همچنان دچار مشکل است. طبیعی است در شرایطی که مبادلات عادی دو کشور در زمینه بانکی با مشکل مواجه است، همکاری های گسترده در چارچوب طرح جاده ابریشم با دشواری های بسیار بیشتری مواجه خواهد بود

۵- تعاملات مردم با مردم

تعاملات فرهنگی ایران و چین نیز در ابتدای راه قرار دارد. با اینکه دو کشور از مشترکات فرهنگی و تاریخی زیادی برخوردارند، اما تعاملات مردم-مردم دو کشور بسیار اندک است. اگر تعاملات چین

با ایران و امارات را در این حوزه مقایسه کنیم، تفاوت را به روشنی درخواهیم یافت. بین چین و امارات به طور هفتگی ۳۹ پرواز وجود دارد در حالی که بین ایران و چین تنها ۷ پرواز در هفته وجود دارد. تعداد توریست های چینی که سال ۲۰۱۵ از دوبی دیدن کرده اند ۴۵۰ هزار نفر بوده در حالی که این تعداد در ایران زیر ۱۰ هزار نفر است.

نهایتاً می توان گفت که راه درازی پیش روی دو کشور برای واقعیت بخشی به همکاری در این پروژه کلان وجود دارد اما تمرکز هدفمند بر این پنج حوزه و یافتن نقاط مشترک در قالب آنها می تواند این مسیر را کوتاه کند.